



۵۰۴



مسعود غریب با دیدن موفقیت یک پارالمپیک
در مسیر قهرمانی رشته تیراندازی قرار گرفت

خیز قهرمانی بعد از ۸ سال خانه نشینی

عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

هنرمند و امام جماعت شهرک شهید باهنر
معتقد است که روحانی نباید تک بعدی باشد

شیفته گهرهای طبیعت

۶



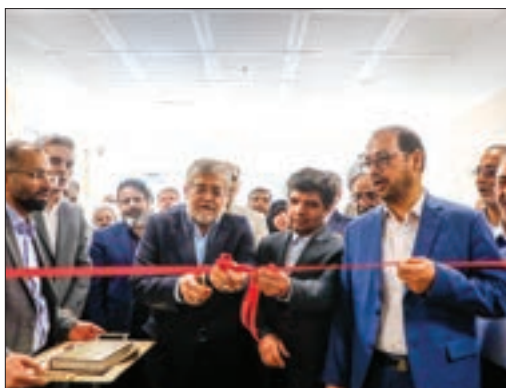
۱۰ سال چشم‌انتظاری گلشهری‌ها با افتتاح
ساختمان جدید فرهنگ‌سرای بهرمان به پایان
رسید

حیات دوباره پایتخت فرهنگی گلشهر

رئیس کمیسیون بانوان شورای شهر مشهد
از اختصاص سهم بیشتر فضاهای ورزشی و تفریحی
برای بانوان منطقه ما خبر داد
امتیازی ویژه خانم‌ها

۲

۷



۱۰ سال چشم‌انتظاری گلشهری‌ها با افتتاح
ساختمان جدید فرهنگ سرای بهرمان به پایان رسید

حیات دوباره پایتخت فرهنگی گلشهر



هم قدم



عطایی پنجمین سالگرد، ساختمان جدید فرهنگ سرای بهرمان محله ثامن پس از حدود ۱۰ سال به بهره‌برداری رسید و در اولین دورهمی میزبان جمعیت زیادی از اهالی محدوده گلشهر بود؛ فرهنگ سرایی که سال‌های سال در کش و قوس ساخت و ساز و تأمین بودجه بلا تکلیف بود و مدتی هم فعالیت‌هایش را در کتابخانه خیابان شهید آوینی ۵ دنبال می‌کرد. سرانجام آیین بهره‌برداری این مجموعه با مساحت ۱۷۰۰ متر و بخش‌های متنوعی مانند کتابخانه و سالن مطالعه، آمفی تئاتر و فضای کلاس‌های آموزشی و... با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین نصرالله پژمان‌نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، محمدرضا قلندر شریف شهردار مشهد، جاوید کیانی معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری، حسن صالحی مفرد شهردار منطقه ۵ و جمعی از اعضای شورای اسلامی شهر و مدیران شهری برگزار شد.

● بسته پیشنهادی فرهنگی و ورزشی

امیرحسین برومند فر، رئیس شورای اجتماعی محله شهید آوینی، در حاشیه برگزاری افتتاحیه فرهنگ سرای بهرمان درباره ظرفیت‌های ساختمان جدید این‌جای می‌گوید: بیش از دو سال فرهنگ سرای بهرمان به حالت موقت در کتابخانه خیابان شهید آوینی ۵ فعالیت می‌کرد؛ در فضایی کوچک و محدود که عملاً شرایط برگزاری بسیاری از کلاس‌های فرهنگی و آموزشی را نداشت. ولی در ساختمان جدید با مساحت زیاد محدودیتی نخواهد داشت. این فرهنگ سرای متعلق به همه اهالی گلشهر است و به امید خدا در این مجموعه برنامه‌های متنوعی برگزار خواهد شد. برومند فرا اعلام می‌کند که یک بسته پیشنهادی آموزشی و فرهنگی آماده کرده‌اند تا به مدیریت فرهنگ سرایتحولیل دهند. او می‌گوید: جدا از کلاس‌های آموزشی مجموعه، ما قصد داریم مجموعه برنامه‌های استعدادیابی برگزار کنیم و مثلاً قرار است با هماهنگی هیئت شطرنج استان خراسان رضوی در این مجموعه اتاق شطرنج داشته باشیم. در کل این‌جا محلی برای آموزش و ثبت نام باشگاه ورزش‌های فکری، باشگاه دوچرخه سواری، باشگاه کتاب‌خوانی با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، باشگاه تنیس روی میز و... خواهد بود.

● جای خالی سالن ورزشی

فاطمه گلستانی، عضو شورای اجتماعی محله ثامن و از مهمانان حاضر در برنامه، می‌گوید: پس از چند سال بازسازی مجموعه فرهنگ سرای بهرمان بالاخره انجام شد. حالاً می‌توانیم جلسات شورای اجتماعی محله ثامن، همایش‌ها و دورهمی‌ها را اینجا برگزار کنیم. سالن آمفی تئاتر، کتابخانه و سالن مطالعه مجموعه همگی ظرفیتی است که به ارتقای فرهنگی محله کمک می‌کند. برنامه‌هایی مانند مشاوره‌های گروهی، کلاس‌های آموزش خانواده و آموزش هنرهای خانگی نیز در این محل برگزار می‌شود.

گلستانی گلایه‌ای هم دارد. او می‌گوید: کاش حالا که این ساختمان وسیع تکمیل شده و به بهره‌برداری رسیده است، سالن ورزشی هم داشت؛ محلی که خانم‌ها راحت بتوانند فعالیت‌های ورزشی را دنبال کنند. راضیه محسنی، عضو شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین (ع) و مربی قرآن فرهنگ سرای بهرمان، از افتتاح این مجموعه به ویژه بخش آمفی تئاتر آن خوشحال است و می‌گوید: ما می‌توانیم از این بخش فرهنگ سرابه خوبی برای پخش فیلم، مراسم گوناگون و همایش‌ها استفاده کنیم. این فرهنگ سرابه محله ما نزدیک است و مطمئنم که باتوجه خوبی برای برنامه‌های فرهنگی می‌شود.

● موقعیت استراتژیک فرهنگی بهرمان

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، درباره سابقه این فرهنگ سرای می‌گوید: بخشی از زمین این مجموعه در سال ۱۳۸۲ از سوی مرحوم بهجت بهرمان، وقف امور فرهنگی شده بود که باتوجه به نیاز محدوده، به وسعت آن افزوده و در کنار آن، ساختمان جدیدی بنا شد؛ ساختمانی که با بنای قدیمی ترکیب شده است و حالا فضایی به مساحت ۱۷۰۰ متر دارد.

جاوید کیانی، فرهنگ سرای بهرمان را دارای موقعیت استراتژیک فرهنگی در منطقه ۵ معرفی می‌کند و می‌افزاید: افتتاح این فرهنگ سرا به عنوان یکی از مجموعه‌های بزرگ فرهنگی شهر، مطالبه جدی شهروندان این منطقه بود که با همراهی شورای اسلامی شهر و تلاش مجموعه معاونت فرهنگی محقق شد.

حسن صالحی مفرد، شهردار منطقه ۵، نیز در سخنانی کوتاه درباره پروژه احداث فرهنگ سرای بهرمان می‌گوید: این پروژه در مدت دو سال با اعتبار ۵ میلیارد تومان احداث شد و امیدواریم رضایت شهروندان را به دنبال داشته باشد. فرهنگ سرای بهرمان به عنوان تنها مجموعه فرهنگی شهرداری در محدوده گلشهر، نقطه قوت و زمینه ساز توسعه فرهنگی این محدوده خواهد بود.



بازخورد

پروژه تجهیز و بازپیرایی بوستان محله سجاده که بارها موضوع گزارش شهرا را محله بود، سرانجام تکمیل شد
رونق «رستگارمقدم» با طراحی جدید



عطایی پنجمین سالگرد، پروژه تجهیز و بازپیرایی بوستان رستگارمقدم واقع در محله سجاده و حاشیه بولوار میرزا کوچک خان با حضور جمعی از مسئولان شهری به بهره‌برداری رسید. شهردار منطقه ۵ در حاشیه آیین بهره‌برداری از این مجموعه گفت: در این پروژه که در مدت دو سال و با اعتبار ۱۵ میلیارد تومان و در فضایی به مساحت ۲۱ هزار و ۸۵۵ متر مربع اجرایی شد، مبلمان شهری، مسیر پیاده روی، پوشش فضای سبز و روشنایی این بوستان تجهیز و بازپیرایی شده است.

حسن صالحی مفرد افزود: بازپیرایی این بوستان، فضای سبز مناسبی برای اهالی محلات سجاده، کوی سلمان و حسین‌آباد فراهم کرده است. در مدت اجرای این پروژه که به دلیل مشکلاتی طولانی شده بود، شهرا را محله در چهار نوبت، گزارش‌هایی درباره ناامنی، تاریکی، طولانی شدن پروژه و پیگیری تأخیر زمان بهره‌برداری تهیه کرد.

شورای اجتماعی محله حسین‌آباد، قدردان فداکاری‌ها

به مناسبت سی و یکم اردیبهشت، روز اهدای عضو، جمعی از اعضای شورای اجتماعی محله حسین‌آباد با همراهی شهردار و مدیران شهرداری منطقه ۵ در منزل خانواده‌های دو جان‌بخش مشهدی جمع شدند. هدف از این دیدار، قدردانی از اقدام ارزشمند خانواده‌های این عزیزان سفرکرده بود. پس از بروز ضایعه مغزی این دو مرحوم، خانواده‌شان نسبت به اهدای اعضای بدن آن‌ها اقدام کردند؛ حرکت خیرخواهانه‌ای که شایسته تقدیر است. اعضای بدن مرحوم امیرحسین حسین‌پور و متین عدل خواه سلجوقی، سال گذشته پس از ضایعه مغزی به بیماران نیازمند اهدا شده بود.



شهر خبر



آسفالت تازه برای ۱۱۰ معبر منطقه

سالیان متمادی شهروندان ساکن منطقه از کیفیت نامطلوب آسفالت گله مند بودند. حالا با اجرای نهضت آسفالت طی دو ماه ابتدایی سال، ۱۱۰ معبر مهم و پرتردد از جمله معابر فرعی بولوار شهید آوینی، شهید مفتاح شرقی، بولوارهای مهرآباد، کرامت، میرزا کوچک خان و... بنا به درخواست شهروندان روکش آسفالت شده است. لازم به ذکر است که نهضت روکش آسفالت با حجم بیش از ۱۵ هزار تن آسفالت و اعتبار ۶۰ میلیارد تومان، در ۱۰۰ هزار مترمربع از معابر منطقه طی دو ماهه ابتدایی سال اجرا شده است.

ورزش صبحگاهی منظمی انجام دهیم.

● ورزش، پشت در بسته

زهرایاپلی، ساکن محله مهرآباد، یکی از چهره‌های آشنا در جمع ورزشکاران صبحگاهی بوستان بانوان بوده است. او چند نفر از بانوان باقی مانده، هر روز ظهر در گوشه‌ای از بوستان، کنار دیوار پارک بانوان، نرمش می‌کنند. جایی که نه از فضای اختصاصی خبری هست، نه از راحتی و آسایش گذشته.

با نارا حتی می‌گوید: قبلاً بالاس ورزشی و با خیال راحت در فضای امن بوستان ورزش می‌کردیم. حالا ما باید وسط پارک، با مانع و روسری، آن هم زیر آفتاب، نرمش کنیم. خیلی سخت است. بسیاری از بانوانی که قبلاً می‌آمدند، دیگر نمی‌آیند. شاید حدود ۱۰ نفر مانده‌ایم که با هزار محدودیت و دردسر، هنوز ورزش را رها نکرده‌ایم.

زهرارزوعده‌هایی هم می‌گوید که عملی نشده است: «گفته بودند در بوستان تابهاربازی می‌شود. اما حالا فصل خوب سال برای ورزش در حال تمام شدن است و هنوز هیچ خبری نیست. نه توضیحی داده‌اند، نه زمانی مشخص کرده‌اند.»

● افتتاح تا عید غدیر

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۶ درباره دلیل طولانی شدن بازسازی بوستان بانوان نصرت می‌گوید: پروژه تجهیز بوستان از شهریور سال گذشته شروع شد و قرار بود تا عید نوروز به پایان برسد، اما به دلیل تأمین نشدن بودجه، کارها با تأخیر پیش رفت. حالا ما امیدواریم هم‌زمان با عید غدیر، بوستان به طور رسمی در خرداد ماه افتتاح شود.

مهدی مقدم دربار تغییرات ایجاد شده در این بوستان می‌گوید: بوستان شهربانوی نصرت حالا به مجهزترین بوستان بانوان منطقه تبدیل شده است. وسعت بوستان از ۶ هزار مترمربع به ۵/۳ هکتار افزایش پیدا کرده و امکانات زیادی به آن اضافه شده است. از جمله تجهیزات بدن سازی، نیمکت، آلاچیق و فضاهای متنوع برای ورزش و استراحت.

وی به امکانات ویژه‌ای که در طراحی جدید برای این مکان در نظر گرفته‌اند، اشاره می‌کند: پیست دوچرخه سواری، اتاق مادر و کودک، فضای مخصوص یوگا، زمین‌های والیبال و بسکتبال، تیراندازی و چند فضای دیگر. از جمله بخش‌هایی است که در فاز جدید بوستان در اختیار بانوان قرار می‌گیرد.



● جای خالی فضای ورزشی بانوان

صبح زود، هوا هنوز خنک است و سکوت نسبی پارک تنها با صدای پرندۀ ها و قدم زدن چند مرد سالخورده که بیشترشان بازنشسته‌اند، شکسته می‌شود. در گوشه و کنار بوستان، تک‌وتوک بانوانی هم دیده می‌شوند که بیشتر با دوست یا همسایه‌شان آمده‌اند برای پیاده روی.

معصومه عبدی، یکی از ساکنان قدیمی خیابان پورسیناست که از سال هارفت و آمدش به این بوستان می‌گوید. تعریف می‌کند که هر روز صبح با همسایه‌اش به بوستان می‌آید، اما دیگر خبری از آن جمع گرم و پرانرژی زنان نیست. او می‌گوید: پیش از اینکه بوستان بانوان را تعطیل کنند، هر روز صبح با خیال راحت، لباس مناسب می‌پوشیدیم و ورزش می‌کردیم.

نرمش صبحگاهی برای ما فقط یک ورزش ساده نبود، بخشی از زندگی مان شده بود. روزی که با ورزش شروع می‌کردیم، حالمان هم بهتر بود. حالا که پارک بانوان بسته شده دیگر مثل قبل نمی‌توانیم

نرمش صبحگاهی برای ما فقط یک ورزش ساده نبود. بخشی از زندگی مان شده بود. حالا که پارک بانوان بسته شده دیگر مثل قبل نمی‌توانیم

صمیمانه منظمی انجام دهیم

خبر خوش شهرداری در پاسخ به گلایه اهالی درباره تأخیر در پروژه بازسازی بوستان بانوان

تحويل «نصرت» تا عید غدیر

نیکی و عقیده | بوستان شهربانوی نصرت در محله پورسینا برای خیلی از بانوان ساکن محله‌های اطراف، تنها مکان تفریحی و ورزشی قابل دسترس بود. جایی که صبح‌ها می‌آمدند، با هم ورزش می‌کردند، گپ می‌زدند و روزشان را با حال بهتری شروع می‌کردند. اما از شهریور سال گذشته که در بوستان را برای تجهیزش بستند، همه چیز تغییر کرد. گفته بودند قرار است فضای بزرگ‌تر شود، امکانات بیشتری اضافه شود و تا عید نوروز هم دوباره بازگشایی شود.

حالا دو ماه از آن وعده گذشته و هنوز خبری نیست. در این مدت اما بانوان دست از ورزش نکشیده‌اند؛ مجبورند در یک کنج کوچک در انتهای بوستان، کنار باجه نگهبانی، جمع شوند و همان جا نرمش کنند، با دلخوری و چشم انتظار و امیدی که هر روز ناامید می‌شود.



فرصتی برای بیان دغدغه اهالی پورسینا

هفته گذشته احسان عظیمی‌راد، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی و حسین بنایی‌منش، شهردار منطقه ۶ در نشست مردمی با ساکنان محله پورسینا دیدار کردند. محل این دیدار در مسجد جامع فاطمه الزهرا (ع) بود. اهالی محله با بیان دغدغه‌ها و درخواست‌های خود، فرصتی یافتند تا با واسطه با مسئولان منطقه گفت‌وگو کنند.

بانوان منطقه ما، طرفداران پروپاقرص ورزش صبحگاهی

طرح ورزش صبحگاهی ویژه بانوان آغاز به کار کرد. این طرح هر روز هفته از ساعت ۶ تا ۹:۳۰ صبح به صورت متغیر در ۲۱ پایگاه از جمله بوستان‌های بانوان امید، رجا، نصرت و سالن‌های ورزشی شهید باهنر، رجا و شهید شیرودی برگزار می‌شود. استقبال خوبی از این طرح صورت گرفته است و در هفته اول بیش از ۱۲۰ نفر از بانوان منطقه در برنامه حضور یافتند.

طعمه‌گذاری برای حیوانات موذی

در راستای ارتقای سطح بهداشت عمومی و حفظ سلامت شهروندان، طرح طعمه‌گذاری برای کنترل و کاهش جمعیت موش‌ها و دیگر حیوانات موذی در منطقه در حال اجراست. این اقدام با استفاده از طعمه‌های استاندارد نانو مورد تأیید سازمان بهداشت، در نقاط شناسایی شده و اولویت دار شامل کانال‌های فاضلاب و مخازن زباله انجام شده است.

شهر خبر



مسجد صاحب‌الزمان (ع) محله موعود، میزبان نشست مردمی بانمایندۀ مجلس شورای اسلامی و شهردار منطقه ۶ بود

بیان مشکلات در «موعود»

هفته گذشته، حجت‌الاسلام والمسلمین نصرا... پیمان فر رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و شهردار منطقه ۶، مهمان اهالی محله موعود شدند. این دیدار در مسجد صاحب‌الزمان (ع) این محله صورت گرفت و حاضران به بیان دغدغه‌ها و مطالبات خود پرداختند.

در این نشست معاون اجرایی، معاون فرهنگی و اجتماعی، رئیس اداره فضای سبز و رئیس ناحیه ۳ و رئیس اداره سرمایه‌گذاری و املاک شهرداری منطقه ۶ نیز حضور داشتند و درخواست‌های اهالی و مشکلات مربوط به شهرداری را در دستور کار قرار دادند. هدف از برگزاری این برنامه، تقویت ارتباط مستقیم مسئولان با مردم و تسهیل روند پیگیری مشکلات محلی بود.



مسعود غریب با دیدن موفقیت یک پارالمپیک در مسیر قهرمانی رشته تیراندازی قرار گرفت

خیز قهرمانی بعد از ۸ سال خانه نشینی

مسعود غریب ۲۱ ساله، هشت سال از زمانی می‌گذشت که بر اثر یک حادثه به او گفتند دیگر آدم سابق نیست و قطع نخاع شده است. در این مدت، او زندگی را سه طلاقه کرده بود! در تمام این سال‌ها هر نسخه‌ای پزشکان می‌دادند تا شاید کمی قدرت حسی پاهایش برگردد، انجام داده بود اما همچنان شب و روزش بیشتر روی تخت و صندلی چرخ دار خلاصه شده بود. تا دو سال پیش که با شنیدن خبر موفقیت نسرين شاهي (یکی از قهرمانان تیراندازی بانوان)، نور امید به زندگی‌اش تأیید و برای نجات خودش از حصار معلولیت دست به کار شد. در کمتر از دو سال، دو مدال کشوری و یک استانی به دست آورد که از انگیزه‌های قوی‌اش حکایت دارد و حالا برای رسیدن به مسابقات پارا آسیایی ژاپن تلاش می‌کند. این هفته قرار است پای صحبت‌های جوانی از محله رضاییه بنشینیم که یک اتفاق غیرمنتظره، ورق سرنوشتش را برای همیشه برگرداند؛ گویی یک بار دیگر متولد شد: «مسعود غریب هستیم؛ متولد ۷۱: دهمین فرزند و ته تغاری خانواده».



داستان جلد

چه بلایی سرش آمده و ورق زندگی‌اش برگشته است؛ یکی از همان روزها، غذا را که خوردم، برادرم با چنگالی که داخل ظرف بود، روی کف پاهایم کشید. دردم آمد. با تشر گفتم چرا اذیت می‌کنی؟ با تعجب پرسید: «واقعاً متوجه شدی؟!». گفتم: بله، این درحالی بود که آن لحظه برایم مسکن زده بودند و گیج خواب بودم.

قطع امید پزشکان

مسعود بقیه ماجرا را اینطور تعریف می‌کند: در همین لحظه، برادرم به اتاق پزشک معالجم رفته و از سرنوشت من پرس و جو کرده بود که او در پاسخ گفته بود: «برادران دچار نود درصد له شدگی نخاع شده‌اند و احتمال قطع شدنش هم هست؛ عمل‌هایی هم که کردیم تنها به این دلیل بوده که دست‌کم امکان نشستن داشته باشد». برادرم به دکتر گفته بود که من فشار چنگال را روی پاهایم حس کرده‌ام.

جراحی سوم، روی نخاع

با این گزارش، دکتر بدون معطلی بالای سرش می‌آید. پتورا از روی پاهایش کنار و ضربه آهسته‌ای می‌زند که با واکنش مسعود مواجه می‌شود. همان جادکتر به پرستارها می‌گوید: «آماده‌اش کنید، فردا صبح دوباره اتاق عمل!».

این بار له شدگی نخاع مسعود، هدف جراحی بود. به این امید که وضعیت حرکتی‌اش بهتر از قبل شود تا اینکه ۱۹ فروردین ۹۲ از بیمارستان امدادی ترخیص شد.

مسعود اولین تکان خوردن پاهایش را چهار ماه بعد در پی فیزیوتراپی‌های مستمر در خانه تجربه کرد. با این حال یک سال طول کشید تا با بستن بریس و جلسات کاردرمانی بتواند با گرفتن واکر چند قدمی راه برود.

حمایت خانواده

وسط همه نگرانی‌ها و چالش‌هایی که مسعود برای بازگشت به زندگی عادی داشت، همسرش از همراهی او در چنین شرایطی امتناع کرد. این اتفاق روحیه مسعود را تا مدتی تضعیف کرد اما بعد

مسابقات در حالی سوم شدم که حریفم از اصفهان، رحیم حق‌شناس، ورزشکار جانباز با تجربه‌ای بود. نفر اول هم طاهاترقی بود از مازندران که شش دوره قهرمانی کشور را در کارنامه ورزشی خود داشت.

مسعود با این نتیجه، پر قدرت تراز قبل وارد گود دور جدید تمرینات شد. او هر بار انگیزه‌هایش را مرور می‌کرد تا سختی‌های مسیر سد را هوش نشوند. این بار در مسابقات لیگ استانی حاضر و باز هم سوم شد و یادست پرمیدان رقابت را ترک کرد.

دعوت به اردوی تیم ملی

سومین تجربه این جوان پرنانگیزه در مسابقات کشوری اسفند ۱۴۰۳ رقم خورد. رقیبش همان قهرمان چند دوره مسابقات کشوری، طاهاترقی بود. مسعود اما در دومین حضورش در این مسابقات (کلاس R1 تفنگ) یک پله صعود کرد و بعد از ترقی، مقام دومی رقابت‌ها را به نام خودش ثبت کرد.

۲۱ فروردین امسال بود که مسعود پس از ۲۲ ماه تلاش بی‌وقفه به اردوی تیم ملی در تهران دعوت شد. می‌گوید: مسابقات جهانی ۲۰۲۵ العین امارات که قرار است پاییز امسال برگزار شود، برایم بسیار مهم است؛ زیرا از مسیر این رقابت‌ها، فرصت حضور در مسابقات ۲۰۲۶ پارا آسیایی توکیو ژاپن فراهم می‌شود. البته از نگاه مربیان و فدراسیون، نتایج رکوردهایی که در جریان تمرینات اردوی تیم ملی ثبت می‌شود، در انتخاب ورزشکار اهمیت دارد.

قصه معلولیت

«سال ۹۱ تازه نامزد کرده بودم. همسرم در دانشگاه شهرک رضویه تحصیل می‌کرد و در طول هفته در خوابگاه همان جا می‌ماند. چهارشنبه هر هفته برای آوردنش به مشهد به آنجا می‌رفتم. روز حادثه در مسیر برگشت، نزدیک ورودی مشهد که رسیدیم، خواستم سرعتم را کم کنم که ناگهان ترمز موتور قفل کرد و زمین خوردم و کمرم به گارد ریل‌های کنار جاده برخورد کرد.»

این اتفاق ۲۳ اسفند ۹۱ برای مسعود رخ داد. در بیمارستان امدادی، پزشکان تشخیص له شدن دو مهره کمر را دادند؛ برای یک مهره، پروتز گذاشتند و مهره دیگر را پیوند استخوانی کردند. او با وجود دو عمل جراحی سنگین تا هفده روز بعد هنوز نمی‌دانست

زننده شدن امید با موفقیت خانم شاهي

تولد دوم مسعود دقیقاً زمانی اتفاق افتاد که در گروه تلگرامی «نخاعی‌های استان خراسان» عضو شده بود و یک روز که با بی‌حوصلگی، مطالب گروه را نگاه می‌کرد، تصویر یکی از اعضای گروه را دید که موفقیت‌هایش را به اشتراک گذاشته بودند. او بانوی جوانی بود که با وجود معلولیت از جنگیدن برای زندگی و اثبات توانمندی‌هایش دست نکشیده بود.

نسرين شاهي پس از قهرمانی جهان در رشته تپانچه، سهمیه پارالمپیک پاریس را به دست آورده بود و در آن گروه تلگرامی، از افتخاری که خیلی زود به نامش ثبت شده بود، قدردانی کرده بودند.

با خودم گفتم شاید من هم بتوانم!

خانم شاهي را در دورهمی نخاعی‌ها در پارک ملت دیده بود. او هم بر اثر حادثه آسیب دیده بود اما قطع نخاع نه تنها زمین‌گیرش نکرد، بلکه در شرایط جدید زندگی، سکویی ساخت که از بلندای آن، خودش را به سمت آرزوهایش پرتاب کند. همین امید و روحیه جنگندگی‌اش، او را زودتر از تصوراتش به اهدافش نزدیک کرده بود. مسعود می‌گوید: با خودم گفتم شاید من هم بتوانم! استاد خانم شاهي را در مجموعه توان‌یابان ۱۵ خرداد پیدا کردم. تست دادم و چون بدنم ورزیده بود، گفتند بهتر است در رشته تیراندازی با تفنگ کار کنم.

سوم مسابقات کشوری با ۱۰ ماه تلاش

مسعود از همان روز، تمرینات را زیر نظر استاد مصطفی خادم شروع کرد. ۱۰ ماه بعد، راهی مسابقات کشوری ۱۴۰۲ شد. این اولین تجربه رقابتی او در میدان مبارزه بود که در پایتخت برگزار می‌شد؛ «در این

● سلاح استاندارد، مهم‌ترین چالش تیراندازان

غریب درباره مناسب سازی شهر برای توان یابان می‌گوید: خدا را شکر نسبت به گذشته، وضعیت بهتر شده است اما هنوز جای کار زیادی دارد. سالن تمرین مادر مجموعه ۱۵ خرداد با آمدن آقای آخوندی (رئیس هیئت ورزش های جانبازان و توان یابان استان) و خانم نیره عاکف (رئیس کمیته پاراتیراندازی هیئت) در دو سال اخیر تغییرات خوبی داشته است. پیش از این، با شرایط ده پانزده سال پیش تمرین می‌کردیم اما اکنون سالن تجهیز شده است و خط های الکترونیک آورده اند که حقیقتاً در رشد تیرانداز نقش مهمی دارد.

اسلحه ها را باید با گاز شارژ کرد تا شلیک ممکن باشد. در گذشته، یک کپسول گاز که خالی می‌شد، یک هفته، ۱۰ روز طول می‌کشید تا پر شود و تیرانداز باید با تصویر سازی تمرین می‌کرد اما در شرایط جدید مدیریتی اتفاقات خوبی افتاد. مهم ترین مسئله پیش رو، سن بالای سلاح مورد استفاده و ورزشکاران است که رایزنی ها ادامه دارد تا با توجه به هزینه زیاد جایگزینی، سلاح های جدید فراهم شود. نکته مهم این است که کپسول های گاز تاریخ انقضای دارند و اگر هر پنج سال یک بار تعویض نشوند، خطر انفجار قوت می‌گیرد. می‌گوید: در اردوی اول تیم ملی در تهران، خواستم سلاحم را با گاز پر کنم. کپسول گازی که باز کرده بودم، از دستم افتاد و مشکل پیدا کرد. اگر فدراسیون سلاح اضافه نداشت که برای تمرین در اختیارم قرار دهد، چاره ای جز بازگشت به مشهد نداشتم.

این هم بود، باید خودتان درها را یکی یکی باز کنید و اجازه ندهید شرایط جدید زندگی محدودتان کند.

مسعود از پشتکارش تعریف می‌کند که از سیزده سالگی وارد فضای کسب و کار شده و کار می‌کرده است. می‌گوید: دقیقاً همان سال که بر اثر حادثه دچار معلولیت شدم، در اوج درآمد زایی بودم اما حالا سال هاست که همه هزینه هایم بر دوش خانواده است. قیمت تفنگی که با آن تمرین و با همان در مسابقات شرکت می‌کنیم، ۵۵۰ میلیون تومان و دو سال کار کرده اش حدود ۳۵۰ میلیون تومان است. این وسط، تفنگی که مسعود در این مدت با آن تمرین کرده و مسابقه داده، بیست و چهار ساله است!

مسعود هر روز ناگزیر است برای تمرین، مسیر خانه پدری در چمن ۸۰ را به سمت چهارراه صیاد شیرازی طی کند. دوری راه برای توان یابانی که وسیله شخصی ندارند، هم آزار دهنده است و هم هزینه ایاب و ذهابشان را بیشتر می‌کند.

● تلاش برای رکوردی بهتر

این ورزش نیازمند تمرکز بسیار زیاد است. کوچک ترین صدایی می‌تواند رکورد را جابه جاکند و نتیجه را به ضرر ورزشکار تغییر دهد. رکوردی که برای این رشته ثبت شده، ۶۴۹ است؛ یعنی هر شصت تیری که شلیک می‌شود، به نقطه دهم نشانه برخورد کند. این در حالی است که همین نقطه دهم هم ۱۰ قسمت دارد که ریزه ریز در رکوردگیری محاسبه می‌شود. در چنین شرایطی، رکورد فعلی مسعود غریب، ۶۱۰ ثبت شده که خودش امیدوار است با تمرینات مستمر اردوهای تیم ملی، دست کم به ۶۲۰ تا ۶۲۵ برسد.

از چند ماه به خودش آمد. خانواده اش از همان روز اول همه جوهر کمک حالش بودند. می‌گوید: ما شش برادر و چهار خواهر هستیم که تک تکشان برای احیای من سنگ تمام گذاشتند. گرفتار زخم بستر عمیقی شده بودم که اگر به موقع رسیدگی نمی‌شد، عفونت به خونم می‌زد. همه این سال ها هر کد امشان کاری کردند که «امید» در زندگی ام جاری شود.

نزدیک به سی دقیقه از گفت و گوی من و مسعود غریب می‌گذرد و درباره موضوعات مختلف گپ زده ایم اما هنوز هم حلقه مفقوده ای وجود دارد که انگار مسعود آگاهانه دوست دارد از کنارش عبور کند. می‌پرسم: با رفتن همسرت راحت کنار آمدی؟ سکوت می‌کند و به این پاسخ بسنده می‌کند که «اگر من جای او بودم، این کار را نمی‌کردم؛ به ویژه اینکه این حادثه هنگام آوردن او به خانه شان برپا رخ داد».

● تنهاهداف، قهرمانی جهان

مسعود این روزها حالش از هر زمان دیگری بهتر است. او هر سستی ای را به جان خریده است تا خودش را به قله افتخار آفرینی برساند. هدفش بی برو برگرد قهرمانی جهان است و برای رسیدن به این جایگاه با همه توان می‌جنگد. کسب دو قهرمانی کشوری و یک استانی و دعوت به اردوی تیم ملی، مهر تأیید بر این ادعا می‌زند. او خطاب به آن ها که با یک حادثه، شرایط زندگی شان زیرورو شده است، می‌گوید: زیر بار معلولیت نروید. اگر دری به روی شما بسته شده است، حتماً در دیگری برایتان باز می‌شود؛ اگر غیر از



کسب مقام سوم کشوری در مسابقات قهرمانی جانبازان و توان یابان گرامیداشت شهدای غزه



کسب مقام دوم کشوری در بیست و دومین دوره مسابقات قهرمانی کشور پاراتیراندازی





راه تجربه

هنرمند و امام جماعت شهرک شهید باهنر، معتقد است که روحانی نباید تک بعدی باشد

شیفته گهرهای طبیعت

اهالی محله مشتاق سنگ ها هستند

علی آقادر باره فروش صحبت می کند و اینکه چند صفحه چند هزار نفری در پیام رسانی های مختلف دارند و به تدریج مشتری های خودشان را پیدا کرده اند. البته تمرکز اصلی شان روی فروش نبوده و بیشتر اهالی همین محله مشتری مغازه شده اند؛ تا حالا خیلی تبلیغ نکرده ایم. تمرکزمان بیشتر روی تولید است. ولی حالا داریم به فروش هم فکر می کنیم، چون کم کم محصولاتمان دارد جای خودش را پیدا می کند. جالب تر اینکه برخلاف تصورشان، اهالی شهرک شهید باهنر، از سنگ ها استقبال خوبی کرده اند. بیشترشان به خاطر خواص سنگ ها سراغ آن ها می آیند. علی آقا سنگ شجر «ژئود» را بر طرف دارترین نوع می داند؛ «هم زیبایی طبیعی دارد، هم ویژگی هایی مثل ایجاد تعادل، تمرکز و آرامش. خیلی ها وقتی نگاهش می کنند، حس خوبی پیدا می کنند.»

بهار در شجر هفت رنگ

اما سنگ مورد علاقه خودش، چیز دیگری است. با شور خاصی از «شجر بهار هفت رنگ» حرف می زند: سنگی که رگه های ظریفی از صورتی، زرد و آبی دارد. می گوید: هر وقت نگاهش می کنم یاد بهار می افتم. این سنگ ها فقط سنگ نیستند، یک تکه از طبیعت خداوند هستند که حسی زنده دارند.

در میان مجموعه سنگ هایش، انواعی هستند که هیچ وقت راضی به فروششان نشده است. یکی از آن ها را از جعبه ای مخملی بیرون می آورد. سنگی شفاف و رگه دار که وسطش شکلی شبیه کلمه خداوند دیده می شود. می گوید: «این را خودم پیدا کردم. گذاشتمش توی صفحه مجازی مان و کلی پیام گرفتم که حاضرند با قیمت بالا آن را بخرند. ولی هیچ وقت نتوانستم بفروشمش. بعضی سنگ ها بیشتر از قیمتشان ارزش دارند.»

زکات هنرم رومی پردازم

علی حاتمی معتقد است زکات هنری را که یاد گرفته است، باید با آموختن بپردازد. تا امروز چند بار برای آموزش به شهرهای دیگر دعوت شده و تجربه آموزش گهرشناسی و سنگ تراشی به طلبه ها را هم دارد. اما اینجا، در شهرک شهید باهنر، هنوز فرصت این کار را پیدا نکرده. بالین حال، در برنامه اش هست که کارگاهی برای آموزش راه بیندازد. او باور دارد که روحانی ها نباید تک بعدی باشند؛ درس حوزه مهم است، اما یادگیری مهارت و هنر هم به رشد فردی و ارتباط بهتر با مردم کمک می کند و نباید نادیده گرفته شود.



نیکو عقیده ادرست دیوار به دیوار مسجد جامع شهرک شهید باهنر، تنها کارگاه و مغازه گهر تراشی محله قرار گرفته است؛ مغازه ای کوچک که پشت و پیشتر سادگی، ردیفی از سنگ های عقیق و شجر زیر نور ملایم آفتاب برق می زند. تکه هایی از طبیعت که به شکل نگین درآمده اند.

صاحب مغازه، امام جماعت همین مسجد است. حجت الاسلام علی حاتمی. مردی که سال ها وقتش را صرف درس طلبگی و تبلیغ دین کرده، اما حالا در کنار منبر، با دنیای سنگ ها سروکار دارد. با شور و اشتیاق، طرح های ریز و درشت داخل سنگ ها را نشان می دهد. می گوید که هیچ وقت فکر نمی کرده درس طلبگی، روزی او را به دنیای سنگ ها برساند. اما همان بار اول، در یک جلسه آموزشی، وقتی نخستین سنگ را به دست گرفته، چیزی در دلش تکان خورده است.

حالا این علاقه، تبدیل به بخشی از زندگی اش شده. او کارگاه کوچکشان در محله شهید باهنر را با همراهی همسرش که او هم طلبه است، می گرداند؛ زنی که نه تنها در مسیر طلبگی هم قدم او است، بلکه در کنارش، با عشق و علاقه گهر می تراشد.

سنگ هایی که چشم رومی دزدند

نیم ساعتی طول می کشد تا گفت و گوراشروع کنیم. دلیلش، ویتیرینی است؛ پراز سنگ های خوش نقش و نگار که نمی شود به سادگی از کنارشان گذشت. شجرهای هفت طرح و رنگ مثل تابلوهای کوچک نقاشی اند، با شاخ و برگ های ظریف که انگار منظره ای طبیعی را قاب گرفته اند. با باغوری ها، با طرح هایی شبیه چشم، نگاه آدم را خیره نگه می دارند.

حجت الاسلام والمسلمین علی حاتمی با حوصله و علاقه خاصی تک تک این سنگ ها را معرفی می کند، اسمشان را می گوید و دوباره بافت و خواصشان توضیح می دهد.

از منبر تا سنگ تراشی

سه سال پیش بود که همراه خانواده اش ساکن شهرک شهید باهنر شد و در کنار مسجد، کارگاه سنگ تراشی کوچکی راه انداخت؛ مغازه ای ساده و جمع و جور. اما پراز رنگ و زندگی. علی حاتمی اصالتا اهل شهر آیسک در شهرستان سرایان خراسان جنوبی است. بعد از رسیدن به سطح ۲ حوزه، کار تبلیغ را آغاز کرد و به گوشه گوشه خراسان بزرگ می رفت. او می گوید: پایم به هر گوشه خراسان رسیده، از روستاهای مرزی گرفته تا شهرهای بزرگ. بعد از دوازده سال تبلیغ، حالا امام جماعت مسجد جامع این شهرک است و عصرها پشت میز گهر تراشی اش می نشیند.

مسیری متفاوت با گهرها

متولد ۱۳۷۰ است و در خانواده ای بزرگ شده که روحانیت در آن نسل به نسل جریان دارد؛ پدر، عموها، برادرها، همه روحانی اند. با اینکه علی حاتمی نیز همین مسیر را انتخاب کرده، سبک زندگی اش کم کم رنگی متفاوت گرفته است. خودش تعریف می کند: از وقتی

تبلیغ را شروع کردم، ایران گردی هم شروع شد. با هر سفر، چیزهای جدیدی کشف می کردم. اما هیچ چیز به اندازه آشنایی با دنیای سنگ ها مسیر زندگی ام را متفاوت نکرد.

پنج سال پیش که برای تبلیغ به منطقه خضری دشت بیاض رفته بود، در کلاس سنگ شناسی شرکت کرد؛ کلاسی رایگان و برای طلبه ها. بی هیچ پیش زمینه ای در آن کلاس نشست، اما همان برخورد اول به اندازه ای خاص بود که هرگز از یادش نرفته است؛ «فقط سنگ را دستم گرفتم، یک عقیق بود. نمی دانم چه شد، ولی حس آرامش عجیبی داشتم. همان جافهمیدم این فقط یک علاقه گذرانیست. چیزی درونم تکان خورد.»

بعد از آن در چند دوره مجازی گهرشناسی ثبت نام کرد و بعدتر هم عضو انجمن گهر تراشان فردوس شد.

قصه سنگی که با نقره قاب می شود

اما استخراج، فقط آغاز راه بود. مسیری طولانی از دل کوه و بیابان شروع شد و به قطعه ای زیبا و ریتیرین مغازه رسید. علی حاتمی همه مراحل این مسیر را با حوصله و دقت یاد گرفته است؛ از برش اولیه گرفته تا صیقل کاری و پرداخت نهایی.

حالا بیشتر این مراحل در طبقه بالای مغازه اش انجام می شود؛ جایی خلوت و پراز ابزارهای دقیق، دستگاه های برش و جعبه های کوچک و بزرگ پراز سنگ های خام.

از وقتی به شهرک شهید باهنر آمده، دیگر کمتر فرصت می کند برای استخراج به بیابان برود. در عوض تمرکزش را گذاشته است روی طراحی و ساخت انگشتر، پلاک، قاب های نقره و ترکیب سنگ های طبیعی با فلزات ارزشمند؛ «ترکیب نقره با شجر یا عقیق، یک جور بازی با طبیعت است. هر سنگ قصه ای دارد و نقره انگار آن قصه را قاب می گیرد.»



رئیس کمیسیون بانوان شورای شهر مشهد از اختصاص سهم بیشتر فضاهای ورزشی و تفریحی برای بانوان منطقه ما خبر داد

امتیازی ویژه خانم‌ها



اودر ادامه به موضوعی کمترشنیده شده اشاره می‌کند: تجربه ترک اعتیاد برخی بانوان محله: زنانی که با حمایت اجتماع و جلسات مشاوره‌ای در مسجد، مسیر تازه‌ای رادر زندگی شان آغاز کرده‌اند. خاکشور می‌گوید: این جلسات کمک می‌کنند که فرایند ترک مواد فقط شروع نشود، بلکه ادامه پیدا کند و در زندگی آن‌ها تثبیت شود.

● قدرت هم‌افزایی بانوان محلات

رئیس کمیسیون ویژه بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر مشهد از برنامه‌هایی می‌گوید که نوید بخش تغییراتی ملموس برای بانوان در مناطق مختلف شهر است. فاطمه سلیمی به افتتاح بوستان‌های ویژه بانوان در محلات مختلف اشاره می‌کند و از بازطراحی بخش بانوان بوستان «وحدت» در منطقه ۵ خبر می‌دهد: پارکی که بادر نظر گرفتن نیازهای بانوان شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و قرار است فضاهایی مانند «اتاق لیختن» داشته باشد و جایی برای آسایش مادران، با امکان تعویض پوشک و شیردهی در محیطی آرام و محترمانه.

سلیمی همچنین از افتتاح قریب الوقوع مجموعه ورزشی شهید قربانی در این منطقه می‌گوید: مجموعه‌ای که سالن اختصاصی برای ورزش بانوان خواهد داشت و می‌تواند پاسخی به یکی از مطالبات مهم زنان منطقه باشد. اودر سخنانش نگاهی تشویقی به جمع دارد و می‌گوید: این نشست‌ها را باید به فال نیک گرفت؛ اینکه فقط مشکلات محله خودمان را نبینیم. اینجا فرصت آن است که از دل همین گفت‌وگوها، ارتباط شکل بگیرد و از دل ارتباط، پیشرفت.

فضای سبز امن و اختصاصی برای زنان. انگار این مطالبه، نه فقط خواسته چند نفر، بلکه نیاز مشترک بسیاری از بانوان منطقه است.

● کمبود فضا برای بانوان ورزشکار

نوبت به فاطمه خاکشور، عضو شورای اجتماعی محله سجاده، که می‌رسد، از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بانوان محله‌اش می‌گوید. به گفته او، زنان محله سجاده به علاقه مند به ورزش هستند و فعالیت‌های این حوزه را با جدیت دنبال می‌کنند؛ از پیاده روی‌های منظم گرفته تا جلسات ورزشی که در مسجد محله برگزار می‌شود.

در میان این انگیزه و تلاش، کمبودی بزرگ نیز احساس می‌شود: نبود فضای ورزشی مناسب برای بانوان. خاکشور بالحنی گلایه آمیز ادامه می‌دهد: با وجود این همه علاقه مندی، جای مشخص و امنی برای ورزش بانوان در محله وجود ندارد. همه چیز محدود شده است به همان چند جلسه ورزشی پراکنده در مسجد.



سالن اجتماعات ساختمان شورای اسلامی شهر مشهد از حضور زنان پر شده است: زنان فعال و دغدغه مندی که از دل محله‌های منطقه ۵ آمده‌اند تا از مشکلاتشان بگویند. ایده بدهند و برای بهتر شدن فردای شهرشان، پایه میدان گفت‌وگو بگذارند. نشست «هم‌اندیشی بانوان فعال شورای اجتماعی محلات منطقه ۵» با رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر مشهد، فرصتی است برای بیان بی‌واسطه تجربه‌ها، دغدغه‌ها و راه حل‌ها؛ نشستی که می‌تواند آغازگر اتفاقات مثبت‌تر در بافت اجتماعی محلات این منطقه باشد.

● نبود فضای سبز امن و اختصاصی برای بانوان

هریک از زنان حاضر، از محله‌ای متفاوت آمده‌اند و هر کدام دغدغه‌ای خاص را با خود به جلسه آورده‌اند. اما در میان تفاوت‌ها، یک نقطه مشترک پررنگ است: امید به بهبود اوضاع برای زنان منطقه. فاطمه گلستانی، یکی از اعضای فعال شورای اجتماعی محله ثامن، ابتدا از اتفاقات مثبت می‌گوید؛ اینکه به تازگی فرهنگ سرای «بهرمان» در محله‌شان راه اندازی شده است و این فضای می‌تواند به پاتوق فرهنگی بانوان تبدیل شود؛ جایی برای آموزش، گفت‌وگو و رشد جمعی.

اودر کنار این خبرهای خوب، گلایه‌هایی هم دارد: در محله ما هیچ فضای تفریحی مناسبی برای بانوان وجود ندارد. ما حتی یک بوستان مخصوص بانوان نداریم و مجبوریم برای استفاده از فضای سبز به مناطق دورتر برویم. پس از او، زنان دیگری از محله‌های مختلف هرکدام به شکلی همین موضوع را تکرار می‌کنند: نبود

دانش آموزان هنرستان «شهید اول»، آثارشان را بیرون از مدرسه به نمایش گذاشتند

روایت‌های هنرمندانه از مهاجرت



عیدگاه

است و با دقت به تابلوها نگاه می‌کند. وقتی سر صحبت را با او باز می‌کنم و نظرش را درباره آثار می‌پرسم، می‌گوید: راستش آمده بودم دخترم را از کلاس نقاشی فرهنگ سرا به خانه ببرم. اما وقتی دیدم نمایشگاه برپاست، گفتم نگاهی به تابلوها بیندازم. باورم نمی‌شد این همه کار قشنگ ببینم. دیدن این همه دختر با استعداد و هنرمند در این منطقه واقعا حس خوبی دارد. خوشحالم که دختر خودم هم این فضا را تجربه می‌کند.

● فرصتی برای دیده شدن

فروه مختاری، مدیر هنرستان، درباره جزئیات این نمایشگاه می‌گوید: هر سال در پایان سال تحصیلی، بچه‌ها نمایشگاهی در خودمدرسه برگزار می‌کنند، اما امسال تصمیم گرفتند آثارشان را به فضای عمومی تری بیاورند و در معرض دید مردم بگذارند. او تأکید می‌کند: در محلات منطقه ۵ و ۶، دانش آموزان هنرمند بسیاری زندگی می‌کنند و نمایش عمومی آثار می‌تواند فرصتی باشد تا نوجوانان دیگر هم با این دبیرستان و رشته‌های هنری آن آشنا شوند و مسیر استعدادشان را زودتر پیدا کنند.

کرده‌اند. یکی از آن‌ها نرگس عزیززاده است؛ متولد ۱۳۸۷ و دانش آموزی مهاجر از افغانستان. او تابلویی با الهام از یکی از داستان‌های نظامی گنجوی خلق کرده؛ باگوش و آبرنگ. نرگس سه سال پیش همراه خانواده‌اش به ایران مهاجرت کرده و از کودکی دل بسته نقاشی بوده است. در ایران با هنرنگارگری ایرانی آشنا شده است و حالا خودش به دیگران آموزش می‌دهد. اوحضور در این نمایشگاه را فرصتی برای دیده شدن هنر دختران هنرمند این منطقه می‌داند و می‌گوید: هنوز روز اول است، اما استقبال خوب بوده. هرکس که وارد سالن می‌شود، نگاهش به تابلوهایی افتد و اغلب تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در سالن طبقه دوم، روی دیوارها، عکس‌هایی با حال و هوای متفاوت دیده می‌شود: آثاری مفهومی با موضوع «مهاجرت». نود نفر از دانش آموزان هنرستان در این بخش از نمایشگاه شرکت و تلاش کرده‌اند مهاجرت را از زاویه دید خودشان روایت کنند. رها صادقی، متولد ۱۳۸۵، یکی از همین شرکت‌کنندگان است. او درباره روند شکل‌گیری آثار می‌گوید: ما بچه‌ها در این منطقه به نوعی با مسئله مهاجرت آشنا هستیم. حتما در اطرافمان دوست یا همسایه مهاجر داریم. در این عکس‌ها، تجربه‌ها و احساسات خودمان را به اشتراک گذاشته‌ایم.

● تجربه‌ای چشم‌نواز

مریم نوروزی یکی از مخاطبان گالری نقاشی، گوشه سالن ایستاده

نیکو عقیده‌انور از پنجره به داخل می‌تابد و روی دیوارها و آثار هنری بازی می‌کند. فضای سالن بارفت و آمد آرام باز دیدکننده‌ها و نگاه‌های کنج‌کاوشان پر شده است. روبه روی یک اثر می‌ایستند و با دقت به جزئیات آن نگاه می‌کنند. همه چیز در فرهنگ سرای غدیر حال و هوای یک گالری کوچک را دارد. در طبقه پایین، بوم‌هایی از رنگ و خیال کنار هم چیده شده‌اند و نقاشی‌ها و نگاره‌های دختران جوان، توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. پله‌ها را که بالا بروی، عکس‌ها چشم به راه‌اند؛ لحظه‌هایی ثبت شده از داستان مهاجرت.

اینجا نمایشگاه «نقش خیال» است، نمایشگاهی از شور نوجوانی و خلاقیت؛ جایی که دختران نگارگر و عکاس دبیرستان «شهید اول» از هفته گذشته برایش برنامه ریزی کرده‌اند و حالا ثمره کارشان را از یکشنبه تا پنجشنبه در این فضای هنری با دیگران قسمت می‌کنند.

● ۳۰ دختر و ۳۰ روایت

اولین روز نمایشگاه است و دانش آموزان تازه کار، چیدمان و نصب تابلوهای نقاشی را به پایان رسانده‌اند. دوطرف سالن، آثارشان را چیده‌اند. موضوع آثار نمایشگاه گروهی خیال، «مجلس» است؛ صحنه‌هایی برگرفته از داستان‌های کهن ادبیات فارسی. هر تابلو، الهامی است از قصه‌ای قدیمی که با قلم و رنگ جان گرفته. سی نفر از دختران دبیرستان شهید اول در این نمایشگاه شرکت

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲، بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

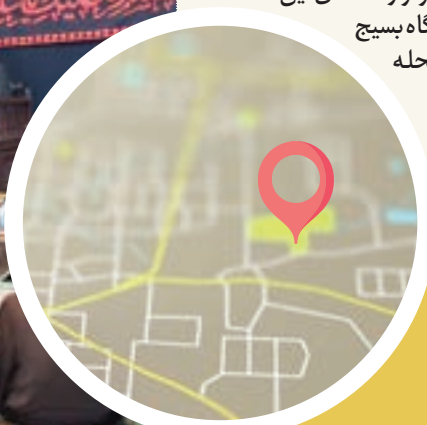


تعدادی از اعضای شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع) با حضور در منزل خانواده شهید شعبانعلی مجیدی از خانواده‌ها تجلیل کردند.
تصویر و متن از زهرا کاریزی، رئیس شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع)



از مادران محله ثامن که در دهه کرامت صاحب فرزند شده‌اند، طی مراسمی با نام «نوزاد رضوی» تجلیل شد. برگزارکنندگان این برنامه، فعالان مسجد امام جعفر صادق^(ع) و پایگاه بسیج حجت بن الحسن^(عج) و شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع) بودند.

تصویر و متن از راضیه محسنی، عضو شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع)



محله به روایت شما



پنجشنبه هفته گذشته، مراسم سالگرد شهادت آیت‌الله... رئیسی و چهارمین روز ارتحال حاج شیخ محمد حسین بیاتی، امام جماعت سابق مسجد رسول... در محله محمدآباد برگزار شد. اهالی در این مراسم حضور پررنگی داشتند.

تصویر و متن از عباس رمش‌پور، ساکن محله شهید رستمی



همایش «دنایای نوجوانی» ویژه والدین محله مهرآباد با هدف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و آشنایی والدین با دنیای نوجوانی با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۵ در مجتمع مهدیه مهرآباد برگزار شد.

تصویر و متن از جواد کاووسی، روابط عمومی مجتمع مهدیه محله مهرآباد



بازارچه بانوان کارآفرین محله باهنر در مسجد الرضا^(ع) واقع در خیابان حر ۴۷ برپا شد. این بازارچه از ساعت ۹ تا ۱۶ دایر بود.

تصویر و متن از راهله قوی‌دست، ساکن محله شهید بسکابادی